

پژوهش‌های زبانی، سال ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹



10.22059/jis.2020.286493.708

Print ISSN: 2288-1026-Online ISSN: 3362-2676

<https://jolr.ut.ac.ir>

Relative Clauses in Arabic and Persian

Bassam Rahma

PhD Candidate in Persian language and Literature, Tarbiyat Modares University, Iran.

Hatyat Ameri¹

Associate Professor of Linguistics, Tarbiyat Modares University, Iran.

Najme Dorri

Associate Professor of Persian language and Literature, Tarbiyat Modares University, Iran.

Gholamhosseyn Gholamhosseynzade

Professor of Persian language and Literature, Tarbiyat Modares University, Iran.

Eessa Mottaghizade

Associate Professor of Arabic language and Literature, Tarbiyat Modares University, Iran.

Received: July 20, 2019 & Accepted: November 15, 2019

Abstract

Typology is a branch of linguistics which studies the structural similarities between languages, regardless of their history. Linguistic studies have proven that different languages in the world have similarities which called Language Universals. Study of Word Order is one of the most important topics in Typology of language, because of languages are more diverse in this respect, and this diversity is a tool for typological studies. One of these diversities is sequence of Relative Clause and Noun. Topologists have identified two types: Relative Clause – Noun (Rel N) and Noun - Relative Clause (N Rel). In their view, these two sequences correlate with the arrangement of the main constituents of language in particular (verb and object). Consequently, according to their predictions, (N Rel) sequence is predominantly in VO languages, and (Rel N) sequence in OV languages. In the present article, we study relative clause in Persian and Arabic languages in order to clarify what are the characteristics of relative clause in both languages and what are the similarities and differences between them. In addition, the research seeks to study the sequence of noun and relative clause in the light of the views of Topologists. The research method is descriptive-analytical and the sentences are collected from different official texts of both Persian and Arabic languages. Over ten thousand sentences were studied. The findings of the study showed that Persian and Arabic languages follow the dominant global pattern in the sequence of relative clause and noun, meaning that both languages have the sequence (N Rel). In this context, however, the Persian language does not follow the predictions made for the ending verbs or OV languages. While the Arabic language is consistent with the predictions presented for VO languages. Also another result of this study is that the phenomenon of relative clause movement in Persian language is possible but not in Arabic.

Keywords: Typology, Language Universals, Relative Clause, Persian Language, Arabic Language.

1. Corresponding Author Email: h.ameri@modares.ac.ir

بند موصولی عربی و فارسی

پسام رحمه

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، ایران.

حیات عامری^۱

دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، ایران.

نجمه دری

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، ایران.

غلامحسین غلامحسین زاده

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، ایران.

عیسی متقی زاده

دانشیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه تربیت مدرس، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۴/۲۹؛ تاریخ پذیرش مقاله ۹۸/۸/۲۴

(از ص ۹۵ تا ص ۱۱۷)

چکیده

رده‌شناسی^۲ شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که شباهت‌های ساختاری بین زبان‌ها را بدون توجه به تاریخ آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. بررسی‌های زبان‌شناسان ثابت کرده است که زبان‌های مختلف دنیا مشترکاتی نیز دارند که به آن‌ها، جهانی‌های زبان^۳ گفته می‌شود؛ بررسی ترتیب سازه‌ها یکی از مهم‌ترین مباحث رده‌شناسی زبان است؛ زیرا زبان‌ها در این مورد تنوع بیشتری نشان می‌دهند و این تنوع دست‌مایه‌ای برای بررسی رده‌شناختی زبان به شمار می‌آید. یکی از این موارد تنوع، توالی هسته و بند موصولی است. رده‌شناسان دو گونه توالی اسم و بند موصولی را در زبان‌ها مشخص کرده‌اند: هسته - بند موصولی و بند موصولی - هسته. از نظر آنها این دو توالی با آرایش سازه‌های اصلی زبان‌ها به ویژه (مفعول و فعل) همبستگی دارد. بنابر این طبق پیش‌بینی‌های آنها، توالی هسته - بند موصولی اکثراً در زبان‌های فعل - مفعول و توالی بند موصولی - هسته در زبان‌های مفعول - فعل هستند. در گفتار حاضر ساخت موصولی در زبان‌های فارسی و عربی را در چهارچوب رده‌شناسی بررسی می‌کنیم تا روشن شود که ویژگی‌های ساخت موصولی در زبان‌های فارسی و عربی چگونه است و چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان این دو ساخت در فارسی و عربی وجود دارد. به علاوه، این پژوهش در پی آن است تا مشخص کند که توالی هسته اسمی و بند موصولی در هر دو زبان چه نسبتی با پیش‌بینی‌های متخصصین رویکرد رده‌شناسی دارد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و جملات مورد بررسی از متون مختلف گونه رسمی هر دو زبان فارسی و عربی جمع‌آوری شده است. بیش از ده هزار جمله مورد بررسی قرار گرفت. از نتایج پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد که روشن شد زبان‌های فارسی و عربی از الگوی غالب جهانی در ترتیب بند موصولی و هسته اسمی تبعیت می‌کنند یعنی در هر دو زبان بند موصولی بعد از هسته خود قرار می‌گیرد؛ اما در این زمینه زبان فارسی طبق پیش‌بینی‌های انجام‌شده برای زبان‌های فعل پایان یا زبان‌های OV عمل نمی‌کند. در حالی که زبان عربی با پیش‌بینی‌های ارائه‌شده برای زبان‌های VO سازگار است. همچنین یکی دیگر از نتایج این تحقیق این است که رخ دادن پدیده خروج بند موصولی در زبان فارسی امکان‌پذیر است ولی در زبان عربی رخ نمی‌دهد.

واژه‌های کلیدی: رده‌شناسی، جهانی‌های زبان، ساخت موصولی، زبان فارسی، زبان عربی.

۱- مقدمه

الگوبندی در سطوح آوایی، معنایی، واژگانی و نحوی زبان‌ها، از زبانی به زبان دیگر متفاوت است، با وجود این بررسی‌های زبان‌شناختی ثابت کرده است که زبان‌های مختلف دنیا مشترکاتی نیز دارند که به آن‌ها، جهانی‌های زبان^۱ گفته می‌شود؛ یعنی ویژگی‌هایی وجود دارد که در همه یا در اکثر زبان‌های جهان مشاهده می‌شوند. بررسی جهانی‌های زبان به موازات بحث رده‌شناسی زبان پیش می‌رود.

رده‌شناسی دو شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که شباهت‌های ساختاری بین زبان‌ها را بدون توجه به تاریخ آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد (کریستال^۲، ۲۰۰۸: ۴۹۹)؛ بنابراین در مطالعات رده‌شناسی، سعی می‌شود تا زبان‌های انتخابی از خانواده‌های مختلف زبانی باشند تا بررسی‌ها و نتایج به دست آمده از دقت کافی برخوردار باشند. این رویکرد سابقه‌ای دویست و پنجاه ساله دارد که با تلاش‌های زبان‌شناسی به نام جرارد^۴ آغاز شد. با وجود این، کاربرد این اصطلاح برای مطالعات مربوط به مقایسه و رده‌بندی مفاهیم زبانی از سال ۱۹۰۱ توسط زبان‌شناسی به نام گابلنتر^۵ رواج پیدا کرد (کرافت^۶، ۲۰۰۳: ۲۷).

جهانی‌های زبان و رده‌شناسی به هم مربوط و مکمل یکدیگرند؛ چراکه مطالعه جهانی‌های زبان بر آن است که محدودیت‌هایی بر گوناگونی زبان بشر اعمال کند و رده‌شناسی مستقیماً به مطالعه این گوناگونی‌ها می‌پردازد؛ به علاوه طبقه‌بندی رده‌شناختی غالباً منجر به کشف اصول جهانی در ساختار زبان‌ها می‌شود. بررسی ترتیب سازه‌ها یکی از مهم‌ترین مباحث رده‌شناسی زبان است؛ زیرا زبان‌ها در این مورد تنوع بیشتری نشان می‌دهند و این تنوع دست‌مایه‌ای برای بررسی رده‌شناختی زبان به شمار می‌آید. یکی از این موارد تنوع، توالی هسته و بند موصولی است.

دکتر دبیر مقدم (۱۳۹۳/۱: ۱۲۴) ضمن معرفی ۲۴ مؤلفه ترتیب سازه به توالی هسته و بند موصولی اشاره کرده است. بند موصولی هسته برونی^(۱) یا قبل از هسته Rel N یا بعد از آن N Rel قرار می‌گیرد. زبان‌شناسان حالت اول را پیش‌رو و حالت دوم را

-
1. Language Universals
 2. Typology
 3. Crystal
 4. Gerard
 5. Gabelentz
 6. Croft

پس رو می‌نامند. بند موصولی یکی از پرکاربردترین ساخت‌های مورد استفاده در زبان‌هاست. پژوهش‌های گوناگون در حوزه ساخت موصولی در هر دو زبان فارسی و عربی به انجام رسیده است که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

صفوی (۱۳۷۳) به بعضی از ویژگی‌های بند موصولی اشاره کرده است. به عنوان مثال وی درونه‌گیری^(۳) بند موصولی را در جملات گوناگون فارسی بررسی کرده است. وی جمله (ب) را ساختی درونه‌ای از جمله (الف) می‌داند.

الف- دوستم [که برای چند نفری غذا پخته بود] [که مهمانش بودند] باعث مسمومیت آنها شد
ب- دوستم [که برای چند نفری [که مهمانش بودند] غذا پخته بود] باعث مسمومیت آنها شد
در مقابل وی جمله زیر را نادرست می‌داند.

*ج- این پسر [که همان سربازی [که مرا کتک زد] است] توبیخ شد

بهرامی (۱۳۹۲) راهبردهای ساخت موصولی در زبان‌های فارسی و آلمانی را بررسی کرده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که بین دو زبان تفاوت هست. راسخ مهند و دیگران (۱۳۹۱) خروج^(۳) بند موصولی در زبان فارسی را بررسی کرده‌اند. یکی از یافته‌های پژوهش این است که افعال ربطی بیشترین افعالی هستند که بندهای موصولی از آنها عبور می‌کنند و دلیل آن را در وضعیت اطلاعی این افعال می‌توان دید که در اکثر موارد دارای اطلاع مفروض هستند.

عبدالعزیز عبدالقادر و ادیب رمضان حیالی (۲۰۱۲) ساخت موصولی را در زبان عربی بررسی کرده‌اند. آنها پس از تعریف بند موصولی و توضیح اسم‌های^(۴) موصولی به شرایط حاکم بر بند موصولی اشاره کرده‌اند. کریم‌ناشد (۲۰۱۴) ساخت موصولی را در زبان‌های عربی و انگلیسی بررسی و مقایسه کرده است. پژوهشگر نتیجه گرفته است که تشابهات از تفاوت‌ها بیشتر است. به عنوان مثال یکی از موارد شباهت آن است که نشانه‌های^(۵) موصولی در هر دو زبان می‌توانند در آغاز جمله بیایند. وی به مثال‌های زیر (۶) اشاره کرده است:

د- الذی جاء محمدٌ (کسی که آمد محمد است)

Who sees mary is Ghon- ه

در این پژوهش قصد داریم ساخت موصولی در زبان‌های فارسی و عربی را که ترتیب سازه متفاوتی دارند. زبان فارسی با ترتیب (SOV) و زبان عربی با ترتیب (VSO) در چهارچوب رده‌شناسی بررسی کنیم تا بتوانیم بدین سؤالات کلی پاسخ بدهیم: ویژگی‌های ساخت موصولی در زبان‌های فارسی و عربی چیست؟ شباهت‌ها و تفاوت‌ها

کدامند؟ هر دو زبان در چه رده‌ای قرار می‌گیرند؟ برای انجام بررسی روش توصیفی - تحلیلی اتخاذ می‌شود. آراء و نظریه‌های رده‌شناسان غربی از جمله، گرینبرگ^۱، لمان^۲، ونمان^۳ هاوکینز^۴ و درایر^۵ مطرح و به نتایج تحقیقات انجام‌گرفته توسط پژوهشگران عرب‌زبان و فارسی‌زبان مراجعه می‌شود. همچنین مثال‌های مناسب از متون مختلف گونه رسمی آورده خواهد شد.

۲- تحلیل داده‌ها

هر ساخت موصولی از سه رکن تشکیل می‌شود: هسته^۶ اسمی است که بند موصولی آن آن را توصیف می‌کند؛ بند توصیفگر^۷ که همان بند موصولی نامیده می‌شود و نشانه‌ای که در ابتدای بند موصولی قرار می‌گیرد و پیونددهنده^۸ بند موصولی با هسته است (ضمیر موصولی).

۲-۱. بند موصولی

وفایی (۱۳۹۲: ۴۸) در تعریف بند موصولی می‌گوید: «جمله‌واره^(۷) وابسته‌ای است که معمولاً در جایگاه توصیف قرار می‌گیرد و وابسته گروه اسمی یا جمله‌واره هسته است». همچنین مشکور (۱۳۶۸: ۲۵۴) ضمن معرفی اقسام جمله به بررسی جمله موصولی می‌پردازد. او بیان می‌کند جمله موصولی جمله‌ای است که معنای آن تمام نمی‌شود مگر به جمله بعدش که صله نام دارد. در دستور زبان عربی بند موصولی به نام «صله» یا «صله الموصول» معروف است. در مورد تعریف موصول در شرح زمخشری (۲۰۱۱/ ۲: ۳۷۱) چنین آمده است: «معنی موصول با خودش کامل نیست و به بندی بعد از آن نیاز دارد تا با آن وصل شود، آنگاه معنی کامل خواهد بود». ریچاردز و اشمیت^(۹) (۲۰۰۲: ۴۵۴) در تعریف بند موصولی می‌گویند: «بند موصولی بندی است که یک اسم یا عبارت اسمی را توصیف می‌کند و ضمیری^(۸) که بند موصولی را معرفی می‌کند ضمیر موصولی نامیده می‌شود». همچنین گیون (۲۰۰۱: ۱۷۶) بیان می‌کند که بند موصولی یکی از

1. Greenberg
2. Lemann
3. Vennemann
4. Hawkins
5. Dryer
6. Head
7. Restricting clause / Relative clause
8. linking
9. Richards and Schmidt

وابسته‌های اسم است که نقش توصیفگر دارد و درون گروه اسمی قرار می‌گیرد. در واقع بند موصولی همانند صفت است که برای توصیف یک اسم به کار می‌رود و با این تفاوت که یک کلمه نیست بلکه یک بند است.

۲-۲. نشانه موصول

۲-۲-۱. اسم موصول در زبان عربی

غلابینی (۱۹۹۴ / ۱: ۱۲۹) اسم‌های موصول در عربی را به دو نوع خاص و مشترک تقسیم کرده است. اسم موصول خاص اسمی است که بر اساس تمایز جنس دستوری (مذکر و مؤنث) و همچنین بر اساس امکانات سه‌گانه (مفرد، مثنی و جمع) دستگاه شمار در زبان عربی تشخیص داده می‌شود. بدین ترتیب شش حالت وجود دارد و در هر حالتی اسم موصول خاص به کار می‌رود. در جدول زیر اسم‌های موصول ویژه هر حالت بیان می‌شوند:

| مفرد | مثنی | جمع | |
|------|-----------------|-----------------------------------|------|
| الذی | اللذان / اللذین | الذین - الألی | مذکر |
| التی | اللتان / اللتین | اللاتی - اللواتی - اللاتی - الألی | مؤنث |

جدول (۱) اسم‌های موصول خاص در زبان عربی

اسم موصول مشترک می‌تواند در شش حالت مذکور بیاید. اسم‌های موصول مشترک در زبان عربی عبارتند از: من، ما، ذا، ذو و آی. از «من» برای انسان و از «ما» برای غیر از انسان استفاده می‌شود. بقیه اسم‌ها مشترک برای هر دو انسان و غیر از انسان به کار می‌روند.

همچنین باید به «ال» به عنوان نشانه موصول اشاره کرد. سایر دستورنویسان از جمله ابن عقیل (۱۹۸۰ / ۱: ۱۴۸)، سامرائی (۲۰۰۰ / ۱: ۱۱۷) و حسن (۱۹۷۵ / ۱: ۲۹۵) «ال» را هنگامی نشانه موصول می‌دانند که به صفت فاعلی یا مفعولی وارد شده باشد. به عنوان نمونه به جملات زیر اشاره می‌کنیم:

صفت فاعلی:

۷- تحالف واشنتن یستهدف الأهالی الرافضین للإنضمام إلى الميلیشیات الانفصالیة العمیلة للولايات المتحدة (سانا، چهارشنبه ۱۶/۶/۲۰۱۸)

(پیمان واشنگتن اهالی را که پیوستن به گروهک‌های جدا طلب وابسته به ایالات متحده آمریکا را رد می‌کنند، هدف قرار می‌دهد).

صفت مفعولی:

۸- الفلستینیین رمز لكل المضطهدین حول العالم (شبکه العالم، دوشنبه ۷ / ۵ / ۲۰۱۸) (فلستینی‌ها نمادی برای همهٔ مظلومان در سراسر جهان‌اند).

۲-۲-۲. نشانهٔ موصول در زبان فارسی

به نظر قریب و دیگران (۱۳۹۲: ۱۰۹) «که» در انسان و غیر انسان و «چه» در غیر انسان مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین مشکور (۱۳۶۸: ۲۳۳) اظهار کرده است برای موصول دو نشانه هست: «که» برای انسان و غیر انسان و «چه» برای غیر انسان. ماهوتیان (۱۳۷۸: ۴۱) گفته است در فارسی بند موصولی با «که» آغاز می‌شود. علی‌آبادی (۱۳۹۱: ۱۴) از حاجتی نقل کرده است: بند موصولی در فارسی بندی است که با «که» آغاز می‌شود. اگر طبق دو دیدگاه اول «چه» را نشانهٔ موصول بدانیم پس چنین جمله را باید قبول کنیم:

* ۹- کتابی چه پسندیدم، خریدم

در حالی که این جمله اصلاً میان سخنگویان فارسی‌زبان رایج نیست. «چه» در جملاتی نظیر جملات زیر دیده می‌شود:

۱۰- آنچه در عراق اتفاق افتاد، در سوریه روی نخواهد داد (خبرگزاری فارس، شنبه ۹ / ۴ / ۱۳۹۷)

۱۱- آنچه از این کتب یاد شده است، کتاب منطق ترجمهٔ ابن مقفع است (بهار، ۱۳۸۵: ۷۴)

ترکیب «آن» و «چه» به صورت «آنچه» با «ما» موصولی در عربی برابر است. همچنین به نظر می‌رسد آوردن نشانهٔ موصول «که» پس از «آنچه» اختیاری است و بنابراین می‌توان گفت که نشانهٔ موصول در دو جمله (۱۰) و (۱۱) یک تکواژ پنهان است. در دو مثال زیر «که» رعایت شده است.

۱۲- آنچه که در مقدمهٔ فصول سابق و دقایق نثر فنی آورده‌ایم، با این شیوه تطبیق می‌کند (بهار، ۱۳۸۵: ۳۲۹)

۱۳- آنچه را که یونسکو از آغاز تأسیس خود تاکنون بر عهده گرفته است، حرکت به سمت صلح در میان ابنای بشر بوده است (اشرفی ریزی و کاظم پور، ۱۳۸۶: ۱۹۳)

۲-۳. تفاوت هستهٔ بند موصولی در فارسی و عربی

تفاوت اصلی میان هستهٔ بند موصولی در زبان‌های فارسی و عربی آن است که در زبان عربی اسم موصول نه تنها پیونددهنده میان هسته و بند موصولی به حساب می‌آید بلکه در صورت غیبت^(۹) هسته، هم نقش آن را می‌پذیرد هم معنی آن را می‌رساند؛ بنابراین می‌توان گفت که هسته و اسم موصول در عربی یکی است. به عنوان نمونه به جملات عربی زیر توجه کنید:

۱۴- قال [Ø] الذی عنده علم من الكتاب أنا أتیک به (نمل: ۴۰)
 (کسی که دانشی از کتاب [لوح محفوظ] نزد او بود گفت: من آن را نزد تو می‌آورم).
 ۱۵- و ذر [Ø] الذین اتخذوا دینهم لعباً و لهواً و غرّتهم الحیاة الدنيا (انعام: ۷۰)
 (و کسانی که دینشان را بازی و سرگرمی می‌گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفت،
 واگذار).

۱۶- و لا تخاطبونی فی [Ø] الذین ظلموا (هود: ۳۷)
 (و با من درباره کسانی که ستم کرده‌اند، سخن مگو).
 ۱۷- كما تقول الروایات أن عدد [Ø] الذین ترکوا موقعهم أربعون من سبعین (الغضبان، ۲۰۱۰: ۲۱)
 (همان گونه که در روایت‌ها آمده است، تعداد کسانی که جای خود را ترک کردند چهل نفر از هفتاد
 بودند).

علامت [Ø] نشانگر غیبت هسته است و می‌بینیم که اسم موصول جایگزین هسته
 اسمی شده است و در جملات (۱۴)، (۱۵)، (۱۶)، (۱۷) به ترتیب نقش نهادی، مفعولی،
 متممی و مضاف‌الیهی دارد. شاید به همین دلیل دست‌نویسان عرب‌زبان نشانه موصول
 را از مقوله اسم می‌دانند؛ اما در فارسی نشانه موصول تنها پیوند دهنده است. همچنین
 غیبت هسته در این زبان امکان‌پذیر نیست و گرنه ابهامی در جمله ایجاد می‌شود، به
 عنوان مثال می‌توان به جملات زیر اشاره کرد:

۱۸- [کسانی] که تا قبل از این اتفاق پدرانشان قهرمان زندگی بودند، به یک‌باره خود تبدیل به قهرمان
 می‌شوند (فرهنگ، چشمه، ۱۳۹۷: ۱۱)
 ۱۹- [چپه‌هایی را] که برای شکنجه برده بودند، هنوز نیاورده‌اند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷/۴/۲)
 ۲۰- خیلی از [آدم‌هایی] که در این مکان‌ها حضور دارند، سرشان در گوشی تلفن همراهشان است
 (جهرانی، موفقیت، ۱۳۹۷: ۱۴)
 ۲۱- وضعیت وی با وضعیت [دانش‌آموزی] که فقط در شب امتحان به مطالعه می‌پردازد کاملاً متفاوت
 است (ایمانی، ۱۳۸۴: ۶۶)

۲-۴. تبیین رده‌شناختی بند موصولی در زبان‌های فارسی و عربی

قبلاً اشاره کردیم که دبیر مقدم (۱۳۹۳/۱: ۱۲۴) ۲۴ مؤلفه در مورد ترتیب سازه‌ها را
 ذکر کرده است. مؤلفه شماره (۲) به توالی بند موصولی و هسته اختصاص دارد. بر اساس
 این مؤلفه، بند موصولی یا قبل از هسته Rel N یا بعد از آن N Rel قرار می‌گیرد.
 همچنین گفتیم که زبان‌شناسان حالت اول را پیش‌رو و حالت دوم را پس‌رو می‌نامند.
 کینان (۱۹۸۵: ۱۴۳) اشاره کرده است که استفاده از بندهای موصولی پس‌رو در
 زبان‌های دنیا بیشتر است. هاوکینز برای توجیه این مطلب، به اصل سهولت پردازش^۱

متوسل می‌شود؛ یعنی پردازش بند موصولی بعد از هسته آسان‌تر است تا قبل از آن. همچنین وی در این زمینه اصل سنگینی وابسته‌ها را مطرح می‌کند. به عقیده وی وابسته‌های سنگین‌تر، پس از اسم و وابسته‌های سبک‌تر پیش از اسم قرار می‌گیرند. او سلسله مراتب سنگینی را به صورت زیر بیان نموده است: صفت اشاره > اعداد > صفت > مضاف الیه > بند موصولی (رضایی و بهرامی، ۱۳۹۴: ۸۱).

محققان زیادی به قرار گرفتن بند موصولی پس از هسته اسمی در زبان‌های فارسی و عربی اشاره کرده‌اند.

به عنوان نمونه در حوزه زبان فارسی می‌توان از ماهوتیان (۱۳۷۸: ۴۱)، کامیار و عمرانی (۱۳۹۲: ۶۸)، دبیر مقدم (۱۳۹۳/۱: ۱۲۴) و وفایی (۱۳۹۲: ۴۸) نام برد. همچنین در حوزه زبان عربی (غلابینی، ۱۹۹۴/۱: ۱۲۹)، زمخشری (۲۰۱۱/۲: ۳۷۱)، (ابن جنی، ۲۰۰۷: ۳۴۹) و (ابن حاجب، ۲۰۱۱: ۱۱۴) به این موضوع پرداخته‌اند. به عنوان مثال می‌توان به جملات زیر از دو زبان فارسی و عربی اشاره کرد:

۲۲- کسانی که صاحب تریبون هستند باید بیش از دیگران مراقبت کنند (ایران، ۱۳۹۷/۳/۲۹: ۷)

۲۳- مطالبی که فهمیده می‌شود در عمق جان فرد نفوذ می‌کند (ایمانی، ۱۳۸۴: ۱۷)

۲۴- علمی که خارج از پوشش این سه بعد باشد جهل است (رودی، ۱۳۸۸: ۷۷)

۲۵- فردی که همیشه در تختخواب است، جز رویا نصیبش نمی‌شود (گیوی، موفقیت، ۱۳۹۷: ۳۱)

۲۶- وعلی الطالب الذی یعانی السرحان و عدم التركيز أن يضبط المنبه كل عشر دقائق (اهرام، ۲۰۱۸/۶/۵)

(و دانشجویی که دچار حواس پرتی می‌شود، بایستی زنگ ساعت را هر ده دقیقه ضبط کند).

۲۷- فهو رمز الزمان الذی لا یدرکه توقف أو قرار (شلق، ۲۰۰۶: ۵۳)

(او نماد زمانی است که نه توقفی آن را دریابد نه قراری).

۲۸- الطائفية من أخطر الفتن التي تمزق الأمة و تفتت وجودها (عزیزی پور، ۱۳۹۳: ۲۵)

(فرقه‌گرایی یکی از خطرناک‌ترین فتنه‌هایی است که ملت را متفرق می‌سازد و آن را از بین می‌برد).

۲۹- و لا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحق (انعام: ۱۵۱)

(و انسانی که خدا او را محترم شمرده جز به حق نکشید).

دبیر مقدم بیان نموده است که قرار گرفتن بند موصولی بعد از هسته اسمی در زبان فارسی، نشانه‌ای از این است که زبان فارسی مانند زبان‌های فعل پایانی مثلاً (ترکی، کره‌ای و ژاپنی) عمل نمی‌کند (راسخ مهند و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۲ به نقل از دبیر مقدم)؛ اما در مقابل ترتیب اسم و بند موصولی در زبان عربی با الگوی پیش‌بینی شده برای زبان-

های فعل آغازی سازگار است. در ادامه به بررسی آراء رده‌شناسان در حوزه ساخت موصولی می‌پردازیم.

۲-۴-۱. دیدگاه گرینبرگ

گرینبرگ^۱ در مقالات خود علاوه بر ارائه مبانی نظری رده‌شناسی بر اساس آرایش جمله، به کشف و توصیف و طبقه‌بندی جهانی‌های مربوط به روابط نحوی عناصر و سازه‌های جمله می‌پردازد. بدین ترتیب او پایه‌گذار نقطه عطفی در مطالعات رده‌شناسی به شمار می‌آید. از نظر وی بین ترتیب سازه و سایر ویژگی‌های دستوری زبان‌ها نوعی همبستگی رده‌شناختی وجود دارد و به‌طور کلی جهت رده‌بندی زبان‌ها، سه معیار را در نظر می‌گیرد و آن را اساس کار خود قرار می‌دهد.

آن معیارها عبارتند از: ترتیب فعل، فاعل و مفعول؛ ترتیب صفت و موصوف و ترتیب حرف‌اضافه و متمم وی در حوزه توالی بند موصولی و اسم، جهانی تلویحی زیر را ارائه می‌کند:

«اگر عبارت موصولی مقدم بر اسم باشد، زبان مربوطه دارای حروف اضافه پسین یا در آن زبان، صفت مقدم بر موصوف است و یا هر دو امکان وجود دارد» (گرینبرگ، ۱۹۶۳: ۷۶).

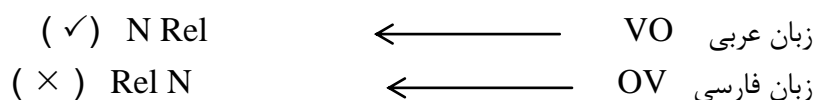
ویژگی‌های رده‌شناختی زبان‌های فارسی و عربی کاملاً برعکس است؛ در این زبان‌ها که بند موصولی بعد از هسته اسمی قرار می‌گیرد، حروف اضافه پیشین هستند و صفت بعد از موصوف می‌آید. بدین ترتیب می‌توان گفت بین این سه توالی معین یعنی توالی اسم - بند موصولی، حرف‌اضافه - متمم (اضافه پیشین) و اسم - صفت همبستگی وجود دارد.

۲-۴-۲. دیدگاه لمان

لمان بین زبان‌هایی که دائماً فعل پایانی‌اند و آنهایی که همیشه فعل آغازی‌اند، تفاوت قائل شده است. برای او یک زبان با ثبات دارای دو معیار است:

- ۱- یک الگوی آرایش سازه‌های اصلی به راحتی برای آن زبان قابل تشخیص است.
- ۲- الگوی دیگر مقولات که از ترتیب فعل پایانی یا فعل آغازی پیروی می‌کند، بسیار منظم است.

این معیارها برای مثال در زبان‌های ژاپنی (فعل پایانی) و پرتغالی (فعل آغازی) صدق می‌کنند. علاوه بر این او در مورد وضعیت فاعل نتیجه‌گیری می‌کند که فاعل به هیچ‌وجه عامل اصلی نیست. وی بر آن است که ساخت‌های بنیادین نحوی از فعل و مفعول تشکیل می‌شوند. بدین ترتیب، زبان‌ها از این لحاظ تنها در دو رده VO و OV قرار می‌گیرند و بقیه توالی‌ها در چهارچوب این دو رده قابل بررسی‌اند (لمان، ۱۹۷۳: ۵۱). بر این اساس وی زوج‌های همبستگی از ترتیب وابسته‌های فعلی و اسمی ارائه کرده است. بنا به رده‌بندی وی، بند موصولی در زبان‌های VO بعد از اسم و در زبان‌های OV قبل از اسم می‌آید (رضایی و بهرامی، ۱۳۹۴: ۷۴). زبان عربی با ترتیب VO با این رده‌بندی سازگار است در حالی که زبان فارسی با ترتیب OV سازگار نیست. این مطلب را به صورت زیر بیان می‌کنیم:



این امر از این نکته حاکی است که استثنائاتی برای این رده‌بندی وجود دارد و چنانچه با بررسی زبان‌های بیشتر، ثابت شود که تعداد استثناها زیاد است، اعتبار این رده‌بندی کم و ضعیف تلقی می‌گردد.

۲-۴-۳. دیدگاه ونمان

ونمان در رده‌بندی زبان‌ها به فعل پایانی / فعل آغازی و تأثیرگذار نبودن زیاد فاعل در رده‌شناسی آرایش واژگان از لمان (۱۹۷۳) پیروی می‌کند. او تأکید می‌کند که همه قواعد واژه آرایی به جایگاه نسبی فعل و مفعول بستگی دارند، به طوری که در یک زبان با ثبات دستوری همه روابط واژه آرایی را می‌توان از آرایش نسبی فعل و مفعول پیش-بینی کرد. ونمان بر اساس عبارات تلویحی گرینبرگ، اصل زنجیره‌سازی طبیعی^۱ را مطرح می‌کند که اغلب به عنوان نظریه عملگر - عمل‌پذیر^۲ (هسته - وابسته) معروف است. او اظهار می‌کند که در زبان‌های OV عملگر پیش از عمل‌پذیر و در زبان‌های VO عمل‌پذیر قبل از عملگر ظاهر می‌شود (ونمان، ۱۹۷۴: ۳۴۷). ونمان آرایش عملگرها و عمل‌پذیرها را در جدول زیر بیان کرده است:

-
1. Natural serialization principle
 2. Operator - operand

| عملگر | مفعول | قید | فعل اصلی | صفت | بند موصولی | مضاف الیه | شمار | حرف تعریف | گروه اسمی |
|-----------|-------|-----|----------|-----|------------|-----------|------|-----------|-----------|
| عمل- پذیر | فعل | فع | فعل کمکی | اسم | اسم | اسم | اسم | اسم | حرفاضا فه |

جدول (۲) نشانگر توالی عملگر و عمل‌پذیر و نمان

بر مبنای جدول بالا می‌توان جدول ویژه‌ی زبان‌های فارسی و عربی را به صورت زیر ترسیم کرد

| زبان | الگوی سازه اصلی | رده‌بندی و نمان | توالی بند موصولی و اسم | سازگاری با رده‌بندی و نمان |
|-------|-----------------|------------------|------------------------|----------------------------|
| فارسی | مفعول - فعل | عملگر - عمل‌پذیر | اسم - بند موصولی | × |
| عربی | فعل - مفعول | عمل‌پذیر - عملگر | اسم - بند موصولی | ✓ |

جدول (۳) نشانگر وضعیت توالی بند موصولی و اسم بر اساس رده‌بندی و نمان

روشن است که توالی بند موصولی و اسم در زبان فارسی از رده‌بندی و نمان تبعیت نمی‌کند در حالی که زبان عربی با آن سازگار است.

۲-۴-۴. دیدگاه هاوکینز

هاوکینز اصل هماهنگی بین مقوله‌ای^۱ را مطرح می‌کند. این اصل بر تناظر میان مقوله‌های زبانی مبتنی است. اصل هماهنگی بین مقوله‌ای بیانگر آن است الگوی قرار گرفتن وابسته‌های یک مقوله مانند اسم با الگوی قرار گرفتن وابسته‌های مقوله دیگر مانند فعل هماهنگ است (رضایی و بهرامی، ۱۳۹۴: ۸۰)؛ بنابراین می‌توان این دو حالت را در نظر گرفت:

(الف) وابسته - هسته اسمی \longleftrightarrow وابسته - هسته فعلی
 (ب) هسته اسمی - وابسته \longleftrightarrow هسته فعلی - وابسته.

اصل هماهنگی بین مقوله‌ای در حوزه بند موصولی فارسی و عربی را به صورت زیر بیان می‌کنیم:

فارسی: اسم (هسته) - بند موصولی (وابسته) \neq مفعول (وابسته) - فعل (هسته) (×)
 عربی: اسم (هسته) - بند موصولی (وابسته) = فعل (هسته) - مفعول (وابسته) (✓)
 بدین ترتیب می‌بینیم که بند موصولی در زبان فارسی با اصل هماهنگی بین مقوله‌ای سازگاری ندارد، در حالی که زبان عربی با آن انطباق دارد.

۲-۴-۵. دیدگاه درایر

درایر با الهام‌گیری از آراء هاوکینز نظریهٔ سوی انشعاب^۱ را مطرح کرده است. بر اساس نظریهٔ سوی انشعاب زبان‌ها تمایل دارند که راست‌انشعابی یا چپ‌انشعابی باشند. زبان‌های راست‌انشعابی مقوله‌های انشعابی (گروهی) را پس از غیر انشعابی قرار می‌دهند، اما در زبان‌های چپ‌انشعابی این ترتیب برعکس است (همان: ۹۱). جهت تبیین مطلب در حوزهٔ بند موصولی در زبان‌های فارسی و عربی به مثال‌های زیر اشاره می‌کنیم:

ع۳۰- الطلاب الذین يتحدثون فی الصف^(۹)

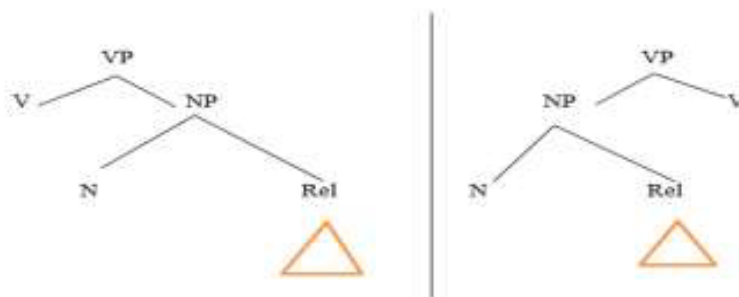
ع۳۱- اقرأ کتاب اللسانیات^(۱۰)

۳۰ ف- دانشجویانی که در کلاس صحبت می‌کنند

۳۱ ف- کتاب زبانشناسی را بخوان

این مثال‌ها را به صورت زیر بیان می‌کنیم:

- ع۳۰ (الطلاب مقوله غیر انشعابی) ← الذین يتحدثون فی الصف (مقوله انشعابی)
 ع۳۱ (اقرأ مقوله غیر انشعابی) ← کتاب اللسانیات (مقوله انشعابی)
 ۳۰ ف (دانشجویانی مقوله غیر انشعابی) ← که در کلاس صحبت می‌کنند (مقوله انشعابی)
 ۳۱ ف (کتاب زبانشناسی را مقوله انشعابی) ← بخوان (مقوله غیر انشعابی)
- (فارسی) (عربی)



نمودار (۱) نشانگر مقوله‌های انشعابی و غیر انشعابی در زبان‌های فارسی و عربی می‌بینیم که در نمودار سمت چپ هر دو سازهٔ گروه فعلی و گروه اسمی راست‌انشعابی هستند، به سخن دیگر در هر دو ترتیب، هسته قبل از وابسته واقع شده است. در گروه فعلی، ابتدا فعل و سپس مفعول واقع شده و در گروه اسمی نیز، ابتدا هسته

اسمی و به دنبال آن وابسته بند موصولی قرار گرفته است؛ اما در نمودار سمت راست، گروه فعلی چپ انشعابی است و گروه اسمی راست انشعابی.

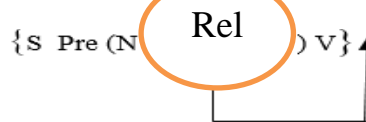
۲-۵. مسئله قطع توالی هسته و بند موصولی (خروج بند موصولی)

در رده‌شناسی بحث فاصله افتادن بین هسته اسمی و بند موصولی مطرح است. گاهی از این امر با عنوان خروج بند موصولی تعبیر می‌کنند. دو سؤال در این زمینه نیاز به پاسخ دارند. نخست اینکه چگونه می‌توان زبان‌های فارسی و عربی را بر اساس پدیده خروج بند موصولی طبقه‌بندی کرد؟ و دیگر علل خروج بند موصولی چیست؟ در واقع خروج بند موصولی به معنای قرار گرفتن آن پس از فعل اصلی جمله است. بنا بر این ما معتقدیم این پدیده ویژه زبان‌های فعل پایانی مانند زبان فارسی است. جهت تبیین مطلب مثال زیر ارائه می‌شود:

۳۲ - احمد به مردی نگاه می‌کرد (که در سمت راست نشسته بود)



می‌بینیم که بند موصولی توصیف‌کننده هسته اسمی (مرد) توانسته است از هسته خود فاصله بگیرد و بعد از فعل اصلی که آخرین رکن جمله است بیاید. می‌توان حرکت بند موصولی را به صورت زیر بیان کرد:



همان گونه که پیداست خروج بند موصولی در فارسی از سمت راست جمله صورت پذیرفت. در حالی که خروج بند موصولی از سمت چپ جمله به معنای قرار گرفتن آن قبل از فاعل امکان‌پذیر نیست زیرا جمله غیر دستوری و غیر قابل فهم می‌شود.

* ۳۳ - (که در سمت راست نشسته بود) احمد به مردی نگاه می‌کرد

به نمونه‌هایی از خروج بند موصولی فارسی اشاره می‌کنیم:

۳۴ - این کشمکش‌ها به لحظات حساسی می‌رسند که آینده یک یا تمامی نیروهای درگیر را آویخته از مویی می‌کنند (رفیعا، ۱۳۸۴: ۱۰۵)

۳۵ - این‌ها سوالاتی هستند که هر ذهن پرسشگری از خود می‌پرسد (اسماعیل نژاد، چشمه، ۱۳۹۷: ۴)
بند موصولی در جملات (۳۴) و (۳۵) به ترتیب بعد از فعل تام و فعل ربطی قرار گرفته است.

در زبان عربی که از زبان‌های فعل‌آغازی است چنین حرکتی اصلاً مطرح نیست، زیرا ذاتاً الگوی ترتیب سازه آن، بند موصولی با هسته آن را پس از فعل اصلی جمله قرار می‌دهد. مثلاً در جمله زیر:

۳۶- كان ينظرُ أحمد إلى الرجل (الذي كان جالساً في الجهة اليمنى) ^(۱۱)

متمم گروه حرف اضافه‌ای که عبارت است از یک هسته اسمی (الرجل) و وابسته پسین آن یعنی بند موصولی پس از فعل اصلی جمله قرار می‌گیرد. جمله فوق چنین بیان می‌شود:

{V S Pre (N Rel)}

اگر فرض کنیم که پدیده خروج بند موصولی در زبان عربی نیز هست، پس خروج بند موصولی در این زبان فقط از سمت چپ جمله خواهد بود یعنی در آغاز جمله و قبل از فعل اصلی قرار گیرد و جمله (۳۶) چنین بگردد:

* ۳۷- (الذي كان جالساً في الجهة اليمنى) كان ينظرُ أحمد إلى الرجل

چنین ترتیب سازه در زبان عربی به هیچ وجه دستوری نیست و برای عرب‌زبانان مبهم است.

خروج بند موصولی دلایل مختلفی دارد. یکی از دلایل ارائه شده توسط زبان‌شناسانی چون روچمنت^۱، کالیکوور^۲، کونو^۳ و تاکامی^۴ این است که بند موصولی خارج شده، معمولاً اطلاعی نو با خود دارد و میزان نو بودن آن از اطلاعی که گروه فعلی دارد، بیشتر است (راسخ مهند، ۱۳۹۱: ۲۴). این دلیل گفتمانی بدین معناست که جهت پررنگ کردن بند موصولی (عنصری که اطلاع نو دارد)، جایگاه آن تغییر داده شد. به عنوان مثال به جمله زیر اشاره می‌کنیم:

۳۸- پیامبر تمدن نوین بشری را پایه‌گذاری کرد که بر اساس دین و انسانیت است (پروینی، چشمه، ۱۳۹۷: ۲)

در جمله فوق بند «بر اساس دین و انسانیت است» مورد تأکید گوینده قرار گرفته یعنی دارای اطلاع نو و مهم در جمله است. در واقع تغییر جایگاه سازه جهت تأکید بر آن در فارسی مطرح است. به عنوان مثال غلامحسین‌زاده (۱۳۹۱: ۱۰۷) اظهار می‌کند اگر در جمله فارسی تأکید بر مفعول باشد، مفعول جلوتر از فاعل قرار می‌گیرد تا این

-
1. Rochemont
 2. Culicover
 3. Kuno
 4. Takami

تأکید مشخص شود مانند: (کتاب را حسن خرید). در این جمله تأکید بر مفعول «کتاب» است یعنی مفعول از فاعل مهم‌تر است. (۱۲)

دلیل دیگری عبارت است از میزان طول بند موصولی؛ یعنی بند موصولی هنگامی خروج می‌کند که طولانی باشد. فرانسیس^۱ (۲۰۱۰: ۳۸) می‌گوید «اگر طول بند موصولی بیشتر از گروه فعلی باشد، احتمال خروج بیشتر است». گیون^۲ (۲۰۰۱: ۲۱۰) معتقد است که حضور بندهای موصولی طولانی در وسط جمله باعث سخت‌تر شدن پردازش و درک جمله می‌شود. به عنوان مثال به جمله زیر اشاره می‌کنیم:

۳۹- هر تحقیقی بر پیوستاری جا می‌گیرد که از سوی مبتنی بر تلاش‌های علمی گذشته و از سوی دیگر مبنایی برای تولیدات علمی آینده است (رودی، ۱۳۸۸: ۱۳۳).

ما معتقدیم آمدن دو فعل پشت سرهم در جمله نیز باعث دشواری آن می‌شود و در بعضی موارد جمله علاوه بر سخت شدن، بدساخت می‌گردد و آن هنگامی است که دو فعل شبیه هم هستند. این امر می‌تواند دلیلی برای خروج بند موصولی نیز باشد. به دو جمله زیر به عنوان نمونه اشاره می‌کنیم:

۴۰- ما در خصوص شخصیتی صحبت می‌کنیم که بنیان‌های معرفت و تربیت در تمامی لحظات زندگی او به خوبی شکل گرفته است (میرخانی، چشمه، ۱۳۹۷: ۸)

۴۱- بیشتر کودکان به بیماری راشیتیسیم دچار می‌شوند که باعث خمیدگی استخوان‌های پا و سینه آنها می‌شود (عزیزی پور، ۱۳۹۳: ۱۳۲)

در جمله (۴۰) اگر بند موصولی خارج نمی‌شد و فعل اصلی جمله «صحبت می‌کنیم» در جای اصلی خود یعنی آخر جمله باقی می‌ماند، درک و پردازش جمله سخت‌تر می‌شد. همچنین در جمله (۴۱) اگر بند موصولی خارج نمی‌شد، آرایش پایان جمله چنین می‌بود: «... می‌شود دچار می‌شوند» که علاوه بر سخت‌تر شدن، به لحاظ آرایشی چندان جالب نیست.

این مطلب را با ذکر این نکته به پایان می‌بریم که گاهی هسته اسمی ساخت موصولی فارسی بین دو بخش فعل مرکب قرار می‌گیرد. در این صورت نیز بند موصولی خارج است. به عنوان نمونه به مثال‌های زیر اشاره می‌کنیم:

۴۲- باید از معرکه پیچیده‌ای که صهیونیسم جهانی بر مردم منطقه تحمیل کرده است انتظار فیلمی را داشت که پر از مفاهیم عمیق باشد (چشمه، فروردین ۱۳۹۷: ۱۱)

۴۳- مروان رو به پسرک کرد که لخت و پتی کنار رودخانه ایستاده بود (پور عمرانی، ۱۳۸۸: ۳۳)

1. Francis

2. Givon

۴۴- جهان‌درگیر جنگ‌های سردی شد که پیامد بارز آن بحران کنونی جهان است (اشرفی ریزی و کاظم پور، ۱۳۸۶: ۲۰۱)

۳- بحث و نتیجه

در این تحقیق ساخت موصولی در زبان‌های فارسی و عربی در چهارچوب رده‌شناسی زبان مورد بررسی قرار گرفته است. در آغاز به تعریف بند موصولی و سپس معرفی نشانه‌های موصول در دو زبان پرداخته شده است. آنگاه ساخت موصولی هر دو زبان با مطرح کردن آراء رده‌شناسانی چون گرینبرگ، لمان، ونمان، درایر و هاوکینز بررسی شده است. همچنین خروج بند موصولی و رفتار دو زبان نسبت به این پدیده توضیح داده شده است. یافته‌هایی که از این پژوهش به دست آمده به شرح زیر است:

زبان‌های فارسی و عربی از الگوی غالب جهانی در ترتیب بند موصولی و هسته اسمی تبعیت می‌کنند، در هر دو زبان بند موصولی بعد از هسته خود قرار می‌گیرد؛ اما در این زمینه زبان فارسی طبق پیش‌بینی‌ها برای زبان‌های فعل پایان یا زبان‌های OV عمل نمی‌کند. در حالی که زبان عربی با پیش‌بینی‌ها برای زبان‌های VO سازگار است.

علت هماهنگ بودن توالی N Rel با ترتیب سازه VO و عدم هماهنگی یا هماهنگی کمتر با توالی دیگر بر اساس نظریه سوی انشعاب درایر قابل توجیه است. در زبان عربی که یک زبان VO است، هر دو گروه فعلی و گروه اسمی راست انشعابی هستند، به سخن دیگر در هر دو ترتیب، هسته قبل از وابسته واقع می‌شود. در گروه فعلی، ابتدا فعل و سپس مفعول می‌آید و در گروه اسمی نیز، ابتدا هسته اسمی و به دنبال آن وابسته بند موصولی قرار می‌گیرد؛ اما در زبان فارسی که یک زبان OV است، گروه فعلی چپ انشعابی و گروه اسمی راست انشعابی است.

رخ دادن پدیده خروج بند موصولی در زبان فارسی امکان‌پذیر است ولی در زبان عربی رخ نمی‌دهد. یکی از نمونه‌های خروج بند موصولی، قرار گرفتن آن میان دو بخش فعل مرکب است. در واقع خروج بند موصولی به معنای قرار گرفتن آن پس از فعل اصلی جمله است. از این رو این پدیده ویژه زبان‌های فعل پایانی مانند زبان فارسی است. در زبان عربی که از زبان‌های فعل آغازی است چنین حرکتی اصلاً مطرح نیست، زیرا ذاتاً الگوی ترتیب سازه آن، بند موصولی با هسته آن را پس از فعل اصلی جمله قرار می‌دهد. یکی از تفاوت‌های دو زبان، این است که کارکرد نشانه‌های موصول آنها یکسان نیست. در زبان عربی اسم موصول نه تنها پیوند دهنده میان هسته و بند موصولی به حساب می‌آید بلکه در صورت نبودن هسته در روساخت جمله، هم نقش آن را می‌پذیرد هم

معنی آن را می‌رساند؛ اما در فارسی نشانه موصول تنها نقش پیوند دهندگی را ایفا می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. هسته‌برونی (head - external) به این معناست که هسته خارج از بند موصولی است. رده مقابل هسته درونی (head - internal) است که هسته درون بند موصولی قرار می‌گیرد مانند زبان ژاپنی. البته زبان ژاپنی هر دو گونه دارد، در گونه هسته‌برونی این زبان، هسته پس از بند موصولی قرار می‌گیرد (یوشیتاکا ایرلوین و گولد، ۲۰۱۴: ۱۶۰).

۲. درونه‌گیری (embedding) به معنای به کار رفتن یک بند در درون بندی دیگر است. بند درونه‌ای یکی از سازه‌های بند بزرگ‌تر به شمار می‌رود.

۳. خروج بند موصولی به این معناست که بند موصولی از مجاورت هسته خارج می‌شود و به انتهای جمله (پس از فعل اصلی) حرکت می‌کند.

۴. در دستور زبان عربی نشانه‌های موصول زیرمجموعه اسم گنجانده می‌شود.

۵. در تحقیق حاضر از نشانه موصول به طور کلی و همچنین برای زبان فارسی اما برای زبان عربی از همان نامگذاری به کاررفته در کتب دستور عربی یعنی «اسم موصول» استفاده می‌شود.

۶. در دو جمله (د) و (ه) به ترتیب هسته (الشخص) و (the man) در روستاخت حضور ندارد اما معنی آن در خود نشانه موصول هست. در تحقیق حاضر به این نکته به عنوان یکی از موارد تفاوت دو زبان فارسی و عربی اشاره شده است.

۷. جمله‌واره برابر با بند است.

۸. ترجمه تحت‌اللفظی واژه (pronoun) است.

۹. معمولاً در مواردی که هسته از بافت سخن قابل تشخیص است، می‌توان حذفش کرد اما همیشه تشخیص هسته در عربی میسر نیست؛ بنابراین نمی‌توان حذفش کرد و گرنه برای شنونده ابهام ایجاد می‌شود مانند جمله زیر: اشتقتُ إلى [Ø] الذی ولدت فيه (دلم برای کشوری که در آن متولد شدم تنگ شده است). حذف هسته در این جمله باعث ابهام معنایی می‌شود که منظور چه هست؟ خانه، محله، شهر، کشور و...

۱۰. آرایش اصلی در عربی به صورت فعل - فاعل - مفعول است؛ اما در واقع آرایش فاعل - فعل - مفعول در این زبان پرکاربرد است و می‌توان آن را جایگزین آرایش اصلی قلمداد. جهانی زبانی گرینبرگ شماره (۶) این نکته را تأیید می‌کند: جهانی زبانی (۶): «همه زبان‌هایی که دارای آرایش غالب فعل - فاعل - مفعولند، آرایش فاعل - فعل - مفعول را به صورت یکی از آرایش‌های بنیادین بدیل یا به صورت تنها آرایش بنیادین بدیل دارد». (گرینبرگ، ۱۹۶۳)

۱۱. معنی دو جمله (۳۰ع) و (۳۱ع) همان دو جمله (۳۰ف) و (۳۱ف) است، به همین دلیل ترجمه نشده است.

۱. معنی این جمله همان جمله (۳۲ف) فارسی است. به همین دلیل ترجمه نشده است.

۱۲. مسئله تأکید بر سازه یا پررنگ کردن آن به وسیله مقدم کردن ویژه زبان فارسی نیست. در عربی نیز چنین است. سامرائی (۲۰۰۷: ۳۷) در این عرصه چنین می‌گوید: «جمله را آرایش اصلی است که بر اساس آن یک سازه معین قبل از دیگری قرار می‌گیرد... چنانچه یک سازه را جا به جا کنی وارد باب پیش و پس کردن می‌شوی که دلالت‌کننده بر اینکه سازه مقدم از سازه مؤخر مهم‌تر است... سپس اهمیت بر اساس ترتیب سازه‌ها سامان می‌یابد تا به آخرین سازه‌ای برسد». وی مثال زیر را برای تقدم مفعول به دلیل اهمیت آن آورده است:

و نوحاً هدینا من قبل (انعام: ۸۴)

منابع

- قرآن مجید، ترجمه حسین انصاریان.
- ابن جنی، ابوالفتح عثمان (۲۰۰۷). شرح اللمع فی النحو، تحقیق محمد خلیل مراد الحربی، بیروت، الکتب العلمیة.
- ابن حاجب (۲۰۱۱)؛ کافیة؛ کراتشی، کتابخانه بشری.
- ابن عقیل الهمدانی المصری (۱۹۸۰). شرح ابن عقیل، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، قاهره، دار التراث.
- اشرفی ریزی، حسن و زهرا کاظم‌پور (۱۳۸۶). *جغرافیای سیاسی اطلاعات*، تهران، چاپار.
- ایمانی، محسن (۱۳۸۴). *آسیب‌شناسی مطالعه*، چ ۲، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۵). *سبک‌شناسی بهار*، به کوشش سید ابوطالب میرعابدینی، چ ۲، تهران، توس.
- بهرامی، کاوه (۱۳۹۲). بررسی رده‌شناختی راهبردهای ساخت بند موصولی در زبان‌های فارسی و آلمانی، پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ش ۱ بهار و تابستان، صص ۶۱ - ۷۶.
- پورعمرانی، روح‌الله مهدی (۱۳۸۸). *چلچراغ: بازآفرینی چهل داستان از حکایت‌های قابوس‌نامه*، تهران، تیرگان.
- حسن، عباس (۱۹۷۵). *النحو الوافی*، چ ۳، قاهره، دار المعارف.
- خبرگزاری سانا، چهارشنبه ۱۳۹۷/۴/۶، ۲۰۱۸، محلیات، <https://www.sana.sy/?p=763797>.
- خبرگزاری فارس، شنبه ۱۳۹۷/۴/۲، گروه حماسه و مقاومت، حوزه دفاع مقدس، <https://www.farsnews.com/news/13970402000680>
- خبرگزاری فارس، شنبه ۱۳۹۷/۴/۹، گروه بین‌الملل، حوزه غرب آسیا <https://www.farsnews.com/news/13911121000902>
- دبیر مقدم، محمد (۱۳۹۳). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، چ ۲، تهران، سمت.
- راسخ مهند، محمد و دیگران (۱۳۹۱). *تبیین نقشی خروج بند موصولی در زبان فارسی*، پژوهش‌های زبان‌شناسی، ش ۶ بهار و تابستان، صص ۲۱ - ۴۰.
- رضایی، والی و فاطمه بهرامی (۱۳۹۴). *مبانی رده‌شناسی زبان*، تهران، انتشارات دانشگاه بهشتی.
- رفیعا، بزرگمهر (۱۳۸۴). *ماهیت سینما*، چ ۲، تهران، امیرکبیر.
- رودی، کمیل (۱۳۸۸). *دانشگاه و مرجعیت علمی*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- روزنامه اهرام، س ۱۴۲، ش ۴۸۰۲۸، سه‌شنبه، ۲۰۱۸/۶/۵.
- روزنامه ایران، سال ۲۴، ش ۶۸۰۵، سه‌شنبه ۲۹ / ۳ / ۱۳۹۷.
- زمخشری (۲۰۱۱). *شرح المفصل*، با اهتمام امیل بدیع یعقوب، بیروت، الکتب العلمیة.
- سامرائی، فاضل صالح (۲۰۰۰). *معانی النحو*، عمان: دار الفکر.
- سامرائی، فاضل صالح (۲۰۰۷). *الجملة العربية تألیفها و أقسامها*، چ ۲، عمان: دار الفکر.
- شبکه العالم، دوشنبه ۲۰۱۸ / ۵ / ۷.
- شلق، علی (۲۰۰۶). *الزمان فی الفكر العربی و العالمی*، بیروت، دار الهلال.

- صفوی، کوروش (۱۳۷۳). برخی از ویژگی‌های بندهای موصولی فارسی، مجموعه مقالات دومین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، سید علی میرعمادی (گردآورنده)، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، صص ۱۸۱-۱۹۷.
- عبدالعزیز عبدالقادر، فراس و شیباان ادیب رمضان الحیالی (۲۰۱۲). الاسم الموصول و جملة صلته فی النحو العربی، آداب الرفادین، ۱ - ۲۸.
- عزیزی پور، محمدرضا (۱۳۹۳). المصطلحات المتداولة فی الصحافة العربیة؛ ج ۹، تهران، سمت.
- علی‌آبادی، مرضیه شکوهی (۱۳۹۱). توصیف و آموزش بندهای موصولی در چهارچوب برنامه‌های درسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- الغضبان، منیر محمد (۲۰۱۰). أخلاقیات الحرب فی السیرة النبویة، قاهره: دارالسلام.
- غلامحسین زاده، غلامحسین (۱۳۹۱). مقدماتی نگارش زبان فارسی، ج ۲، تهران، سمت.
- غلابینی، مصطفی (۱۹۹۴). جامع الدروس العربیة، ویرایشگر عبد المنعم خفاجه، ج ۳۰، بیروت، کتابخانه عصریة.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران (۱۳۹۲). دستور زبان فارسی (پنج استاد)، ج ۶، تهران، انتشارات ناهید.
- کریم ناشد، علی (۲۰۱۴). الاسم الموصول دراسة نحویة مقارنة بین اللغتين العربیة و الانجلیزیة؛ آداب المستنصریة، ش ۶۴، ۲۴۹ - ۲۷۹.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸). دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، ترجمه مهدی سمائی، تهران، نشر مرکز.
- مجله موفقیت، سال ۲۰، نیمه اول تیر ۱۳۹۷.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۶۸). دستورنامه در صرف و نحو پارسی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی شرق.
- نشریه چشمه، ش ۵۹، فروردین ۱۳۹۷، دانشگاه تربیت مدرس.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۹۲). دستور زبان فارسی (۱)، ج ۱۴، تهران، سمت.
- وفایی، عباسعلی (۱۳۹۲). دستور توصیفی بر اساس واحدهای زبان فارسی، تهران، سخن.
- Abdul-Azeez, A. F. & Shaibaan, A. R. A. 2012. The Reative Pronoun Its Clause in the Arabic Grammar. Adab AL Rafidayn, 1-28, [In Arabic].
- Al-Ghadban, M. M. 2010. The Ethics of war in the Prophet's life. Cairo: Dar-o-ssalam, [In Arabic].
- Al-Ghalayini, M. 1994. Comprehensive Lessons in Arabic Language. Muḥammad 'Abd Al-Mun'im Khafaji (Ed.). Beirut: Dar al Kotob 'Asriye, [In Arabic].
- Al-Samirai, F. S. 2000. *Meanings of Syntax* . Amman: Dar-o-lfikr, [In Arabic].
- Al-Zamakhshari, 2011. *Detailed Explanation of grammar*. Emil Badi' Yacob. Beirut: Dar al Kotob al ilmiyah, [In Arabic].
- Ashrafi, R. H. & Kazempour, Z. 2007. Geopolitics of Information. Tehran: Chapar, [In Persian].
- Azizipoor, M. 2014. Current Terms in Arabic Press. Tehran: Samt, [In Arabic].

- Bahar, M. 2006. *Bahar's Stylistics*. SeyedAbutalebMirabedini (Ed.). Vol. 2. Tehran: Tus, [In Persian].
- Bahrani, K. 2013. A Typological Analysis of Relativisation Strategies in Farsi and German. *Foreign Language Research Journal*, 3(1), 61-76, [In Persian].
- Bayomi, M . (2018/June/05). *The woman and child*. Al-Ahram Newspaper. 142 (48028). [https:// www.ahram.org.eg/news/202668/8/654631/](https://www.ahram.org.eg/news/202668/8/654631/), [In Arabic].
- Deqar, A. 1986. *The Dictionary of Arabic Morphology and Syntax*. Damascus: Dar Al Kalam, [In Arabic].
Doi: 10.22059/jflr.2013.53763
- Esmailnadjad, S. (2018/April). *Deciphering the secret of creation*. Cheshme Magazine,(59), p.4, [In Persian].
- Farhang, M. (2018/April). *By the time of sham*. Cheshme Magazine, (59), p. 11, [In Persian].
- Gharib A. & Homai, J. & Yasmi, R. & Bahar, M. & Foruzanfar B. 2013. *Persian Grammar (Five Masters)*. Vol. 6. Tehran: Nahid Press, [In Persian].
- Gholam Hoseinzade G. 2012. *An Introduction to Persian Language Writing*. Tehran: Samt, [In Persian].
- Givi, H. (2018/June/20). *Entrance exam*. Movafaghiat Magazine, 20, p.31, [In Persian].
- Hasan, A. 1975. *The concise Syntax*. Cairo: Dar El Maaref. [In Arabic]
- Ibn 'aqil, A. A. 1980. *Ibn 'aqilexplanation*. Mohammed Mohieldin Abdelhamid. Cairo: Dar El Torath, [In Arabic].
- Ibn al-Hājjib, U. 2011. *Sufficiency*. Karachi : Boshra library , [In Arabic].
- Ibn Jinni, A. U. .2007.. *Explanation of spangles in syntax* . Muhammad Khalil Mourad Al-harbi. Beirut: Dar al Kotob al ilmiyah. [In Arabic].
- Imani, M. 2005. *Pathology of Reading*. Vol. 2, Tehran: Anjoman-e-Olyava Morabbian, [In Persian].
- Jahrani, S . (2018/June/20). *One step forward*. Movafaghiat Magazine, 20, p.14, [In Persian].
- Kareem Nashid, A. 2006. *Relative: A comparison of Arabic relative pronouns and English relative pronouns*. Adab Almustansaria Journal. (64). 249-279, [In Arabic].
- Mahutian S. 1999. *Persian Language Grammar from a Typological Perspective*. Medi Samai (Trans.). Tehran: Markaz Press. [In Persian]
- Mashkur, M. 1989. *A Grammar in Persian Morphology and Syntax*. Tehran: Shargh Press Co, [In Persian].
- Mirkhani, E. (2018/April). *Life style*. Cheshme Magazine,(59), p.8, [In Persian].
- Pooromrani, R. M. 2009. *Chelcheragh: The Recreation of 40 stories of Qabus-nameh*. Tehran: Tirgan, [In Persian].

- Rafia, B. 2005. The nature of Cinema. Vol. 2. Tehran: Amirkabir, [In Persian].
- Rasekh, M. M. 2014. Relative Clause Asymmetry in Persian. In The Proceedings of Allameh Tabataba'i University. (331), 545-552, [In Persian].
- Rasekh M. M. & Alizadeh, S. M. & Izadifar, R. & Ghiasvand, M. 2012. The functional explanation of relative clause extraposition in Persian. *Researches in Linguistics*, 4(6), 21-40, [In Persian].
- Rezai, V. & Bahrami, F. .2015.. *Fundamentals of Linguistic Typology*. Tehran: Beheshti University Press, [In Persian].
- Roodi, K. 2009. *University and scientific authority*. Tehran: Imam Sadegh University, [In Persian].
- Safavi, K. 1993. *Features of the Relative Clause in Persian*. In Seyed Ali Miremadi (Ed.) Proceedings of the 2nd Conference of Theoretical and Applied Linguistics. Tehran: Allameh Tabataba'i University Press, 197-181, [In Persian].
- Shalaq, A. 2006. Time in Arabic and World's Thoughts. Beirut:Dar-o-lhilar, [In Arabic].
- Shokuhi A. M. 2012. *Description and teaching of Persian relative clauses: a syllabus design* (Master's thesis). Allame Tabatabai University, Tehran, Iran, [In Persian].
- The Qur'an. Husain Ansari (Tran).
- Vafai, A. 2013. *A Descriptive Grammar of Persian*. Tehran: Sokhan, [In Persian].
- Vahidian. K. T. & Omrani, G. 2013. *Persian Grammar*. Vol. 1. 2nd (ed.). Tehran: Samt, [In Persian].
- (2018/June/19). *The owners of the tribune do not step in the path of unity breaking*. Iran newspaper. Iran-newspaper.com/newspaper/item/470821/, [In Persian].
- [Last, F. M.]. (2018/June/06). *The Washington alliance targets people who refuse to join the USA-allied separatist militias* . SANA News Agency from.https://www.sana.sy/?p.
- [Last, F. M.]. (2018/June/06). *The Visitors of The Syrian Archeology Exhibition in Prague: The Syrian monuments are invaluable treasures, and their destruction indicates hostility and hatred*. SANA News Agency. From https://www.sana.sy/?p=764006,[In Arabic].
- [Last, F. M.]. (2018/June/06).Brazil delivers one of the goals of the historic match(7-1) to Germany . Alsumaria News. fromhttps:// www. alsumaria. tv/ mobile/news/238590, [In Arabic].
- [Last, F. M.]. (2018/June/19). *The third round of political talks between Iran and Switzerland*. Iran newspaper. Iran-newspaper. com/ newspaper/ item/ 470917/, [In Persian].

- [Last, F. M.]. (2018/June/23). *The foot which ironed for the glory of Iran*. Fars News Agency. From <https://www.farsnews.com/news/13970402000680/>, [In Persian].
- [Last, F. M.]. (2018/June/30). *Al-Maliki: What happened in Iraq will not happen in Syria / Bashar al-Assad will remain*. Fars News Agency. <https://www.farsnews.com/news/13911121000902/>, [In Persian].
- [Last, F. M.]. (2018/May/07). *Erdogan: palestinians are a symbol of all the oppressed around the world because of the massacres and injustices they are subjected to*. Al-Alam News Network. From <https://www.alalam.ir/news/3542461/>, [In Arabic].
- <https://www.alalam.ir/news/3542461>.
- Croft, W. 2003. *Typology and Universals* 2nded, University of Manchester, Cambridge.
- Crystal, D. 2008. *A dictionary of Linguistics and Phonetics* 6thed, Malden, black well publishing.
- Dryer, M.S. 1992. The Greenbergian Word Order Correlations, *language*, 68: 81 – 138.
- Francis, E. J. 2010. Grammatical weight and relative clause extraposition in English, *Cognitive Linguistics*, 21: 7 - 35.
- Givon, T. 2001. *Syntax An Introduction*, Philadelphia, John Benjamins publishing company.
- Greenberg, J. H. 1963. some Universals of Grammar with particular Reference to the order of Meaning element, In *Universals of Language*, Cambridge : *Mit press*, 73 - 113.
- Hawkins, J.A. 1983. *Word Order Universals*, New York: Academic press.
- , 1994. *A Performance Theory of Order and Constituency*, Cambridge: Cambridge university press.
- Keenan, E. L. 1985. Relative clauses In language typology and syntactic description, *Cambridge university press*, 141 - 170.
- Lemann W.P. 1973. A structural principle of language and it's implications, *Language*, 49: 47 - 66.
- Richards, J. C., & Schmidt, R. 2002. *Longman Dictionary of Language and Applied Linguistics*, London, Longman.
- Vennemann, T. 1974. Topics, Subject and Word order, *Historical Linguistics* (2. 339 - 367), Amsterdam: North Holland.
- Yoshitaka, E. M. & Gould, Ic. 2014. Interpreting Japanese Head-Internal Relative Clauses, *the 31st West Coast Conference on Formal Linguistics*, Cascadilla Press.

